

فصلنامه مطالعات سیاسی  
سال یازدهم، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۹۷  
صفحات: ۱۶۶-۱۴۹  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۹/۸

## بررسی رابطه فرایند شناسایی حداکثری و ناامنی انسانی در غرب آسیا؛ مطالعه موردی داعش

مهدخت ذاکری\*

### چکیده

هویت افراد به واسطه ارتباطات شکل گرفته و پایدار می ماند. بنابراین کنشگران امنیت هستی شناسانه خود را از طریق تثبیت روابط با دیگران تاثیرگذار شکل می دهند. هنگامی که کنشگر نسبت به هویت خود احساس تهدید نماید، ناگزیر از داشتن واکنشی که اغلب خشونت آمیز است، خواهد بود. در این مقاله فرض بر این است که در شرایط عقیم ماندن فرایند شناسایی حداکثری و اقدام به واکنش خشونت آمیز کنشگران، این امنیت انسانی در مفهوم موسعی که باری بوزان در نظر دارد، مورد تهدید واقع می شود. به عبارت دیگر در این تعامل، ابتدا امنیت فردی مورد تهدید و خشونت قرار گرفته و در صورت بسط دامنه این مبارزه برای کسب دوباره محیط امن، این تهدیدات به جامعه و دولت نیز تسری می یابد. به منظور عملیاتی ساختن این ادعا، مقاله حاضر با استناد به مدل نظری «فرایند شناسایی حداکثری»، به بررسی تهدیدات علیه «امنیت شخصی» همچون بردگی جنسی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق زنان و کودکان که از جمله اقدامات گروه خشونت ورزی نظیر داعش است، می پردازد.

### کلیدواژه‌ها

شناسایی حداکثری؛ امنیت هستی شناسانه؛ هویت غرور آمیز؛ روایت های تاریخی؛ امنیت انسانی.

## ۱. مقدمه

دهه دوم قرن بیست و یکم سال‌هایی همراه با انواع ناامنی و تهدید علیه دولت - ملت‌های منطقه غرب آسیا بوده است. کشتار، ترور، بحران آوارگان جنگی و مهاجران، کشف گورهای دسته جمعی، بردگی جنسی زنان و دختران و قاچاق اعضای بدن تنها بخشی از ناامنی انسانی علیه مردم این منطقه است که طی این سال‌ها با آن مواجه بوده‌اند. اغلب این وقایع توسط گروه‌های افراطی خشونت ورز که با دلایل متفاوت ایدئولوژیکی و یا آزادی خواهانه شکل گرفته‌اند، به وقوع پیوسته است. در پاسخ به چرایی شکل‌گیری این گروه‌ها و چنین رویدادهایی، متخصصان این حوزه با رویکردهای مختلفی به تحلیل دلایل وقوع آن پرداخته‌اند. اما آنچه کمتر بدان توجه شده نتایج مجرمانه و تهدیدات آن علیه امنیت انسانی است. لذا این مقاله تلاش دارد با تمرکز بر گروه خشونت ورز افراطی داعش، با رویکردی متفاوت و با استفاده از مدل نظری «فرایند شناسایی حداکثری» به بررسی چرایی بروز این گروه و تهدیدات ناشی از آن بپردازد. بدین منظور، پژوهش حاضر ابتدا با مفصل‌بندی مفاهیم امنیت هستی‌شناسانه، روایت‌های تاریخی و هویت‌غورآمیز به روند شکل‌گیری این گروه می‌پردازد. سپس با توجه به رابطه میان ناامنی هستی‌شناسانه و تهدیدات امنیت انسانی به پیامدهای ناشی از ظهور داعش در منطقه غرب آسیا، توجه خواهد داشت.

## ۱. چارچوب نظری

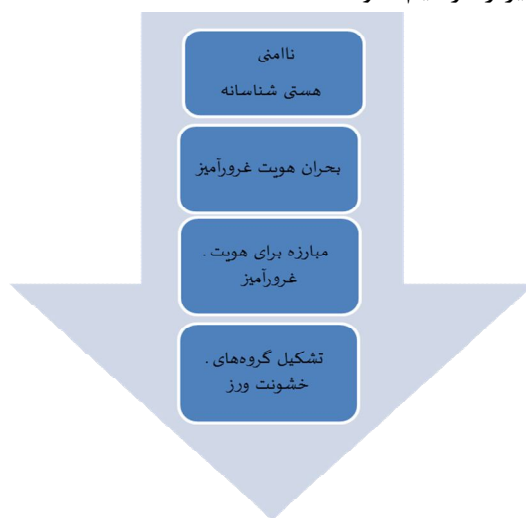
مدل مفهومی مستفید در این مقاله، مدل چهاروجهی شناسایی حداکثری (حاجی یوسفی و ذاکری، ۱۳۹۶) است که به اختصار آن را «فرایند شناسایی حداکثری» می‌نامیم. در این چارچوب نظری فرض بر این است که با عقیق‌ماندن فرایند شناسایی حداکثری، زمینه برای ظهور گروه‌های نادیده‌انگاشته شده‌ای فراهم می‌شود که اغلب از طریق مبارزات خشونت‌آمیز به دنبال احصای هویت‌های غرورآمیز از دست رفته خود هستند. در این فرایند، روایت‌های تاریخی<sup>۱</sup> نقش بسزایی در شکل‌گیری برساخته‌های هویتی کنشگران دارد. ریچارد لیبو معتقد است خاطرات افراد از طریق فرایندهای بین‌الذهانی شکل داده می‌شوند و اغلب روایت‌های غالب و جاری در جامعه را منعکس کرده و گاه تقویت می‌کند (Lebow, 2006: 3-4). بنابراین خاطرات رابط میان درک ما از گذشته و حال هستند. خاطره جمعی نیز به برساختن هسته

مرکزی جوامع کمک می کند. ارتباط میان این خاطرات جمعی و هویت سازی محل مناظره اندیشمندان است. اما منظور این مقاله از خاطره جمعی در واقع ادراکاتی است که به صورت اجتماعی در طول زمان برای افراد و گروه‌ها بر ساخته شده و چپستی و کیستی آن‌ها و نیز جایگاه اجتماعی و اهمیت کنشگری و عاملیت افراد را شکل می دهد. از آنجایی که خاطره گروه نمی تواند به صورت جمعی به یاد آورده شود لذا نقش روایت ها در اینجا اهمیت پیدا می کند (Anderson, 1983: 204).

متغیر دیگر امنیت هستی شناسانه<sup>۱</sup> است که در نتیجه یک تلاش میان رشته‌ای، وارد مطالعات روابط بین الملل شد. آنتونی گیدنز در کتاب مدرنیته و هویت، مفهوم امنیت هستی شناسانه را اینگونه تعریف می کند: «اطمینان خاطری که اکثر انسان‌ها از تداوم هویت و اجتماع پیرامون و محیط مادی عمل‌شان، احساس می کنند. احساس توانایی اتکا و درک امن از محیط پیرامونی، اساس امنیت هستی شناسانه را شکل می دهد» (Giddens: 1991:243). امنیت هستی شناسانه نیاز برای تجربه یک فرد به مثابه یک کل - فردی تاریخمند و متداوم در طول زمان به جای فردی مدام در حال تغییر- است که قادر باشد حس عاملیت را درک کند (Giddens, 1991:244). جنیفر میتزن معتقد است که افراد به درک امن از اینکه چه کسی هستند، نیاز دارند. کارگزار نیاز به شناختی با ثبات از محیط خویش دارد لذا ادراکات نامطمئن، امنیت هویت را تهدید می کند. به عقیده میتزن، این امنیت و ثبات از ادراکات نسبت به هویت خویشتن، به این معنا نیست که درک از خود تا ابد می بایست ثابت باشد، بلکه حس تداوم شخصی منجر به شکل گیری بر ساخته های عملیاتی خواهد شد. بسیاری از نظریه پردازانی که به بر ساخت ادراکات از امنیت توجه دارند به ارتباط نظری میان هویت و امنیت نیز تاکید دارند (Campbell, 1992; Huysmans, 1998; Kinnvall, 2004; Weldes et al., 1999).

فرایند تعیین هویت اغلب پیرامون امنیت یا بعنوان یک سیستم تامین امنیت هویت، درک می شود (Bloom, 1990: 47; Erikson, 1959: 122-157). ناامنی و احساس خطر مولفه های مهمی در همه روندهای تثبیت هویت هستند (Campbell, 1992; Neumann, 1999; Stern, 2001). در جوامعی که تجربه منازعه دارند، این احساس عدم امنیت و خطر عیان تر است.

هویت غرورآمیز<sup>۱</sup> در فرایند شناسایی حداکثری، متغیر تاثیرگذار دیگری است که در این مقاله مورد مذاقه قرار میگیرد. توماس لیندمن معتقد است که هویت‌های غرورآمیز دلیل ممکن برای جنگ هستند. بنابر تعریف وی، هویت غرورآمیز تمایل برای شناسایی تفوق یک طرف توسط دیگران در سپهر بین‌المللی است (Lindemann, 2014). تمایل برای تفوق غرورآمیز ارتباط نزدیک به وجهه و تصور دارد، تصویری که فراتر از قدرت واقعی است. این ادعای تفوق غرورآمیز و تمایل به تعریف هویت غرورآمیز در اشکال مختلفی می‌تواند متبلور شود. این تفوق می‌تواند در فرم یک نژاد، ملیت، هویت، مذهب و یا یک رژیم سیاسی تعریف شود (Taylor, 1994:31). بنابراین هنگامی که کنشگر با پیشینه‌ای از خاطرات تاریخی از نادیده‌انگاری، تحقیر، سرخوردگی، عدم ادغام اجتماعی از سوی کنشگران دولتی و بین‌المللی همراه بوده که طی سال‌ها هویت و بودگی وی را بر ساخته است، سپس در محیط ناامن هستی‌شناختی نیز قرار گرفته و بودگی و منزلت خود را در خطر می‌بیند، رفته رفته با بحرانی از آنچه تفوق و برتری وی را برمی‌سازد، مواجه خواهد بود. در این مرحله است که به مبارزه برای احیای هویت غرورآمیز از دست رفته خود دست می‌زند. این مبارزه در جوامعی که خاطره منازعه آمیز دارند، اغلب خشونت آمیز و با تهدید علیه امنیت انسانی همراه خواهد بود. شکل ۱ روند شکل‌گیری این مبارزه برای هویت غرورآمیز را ترسیم نموده است.

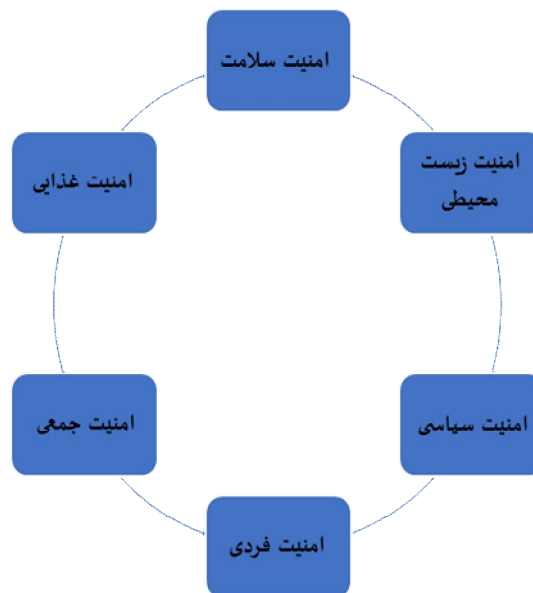


شکل ۱: روند تشکیل گروه‌های خشونت‌ورز با استفاده از مفهوم نامی‌هستی‌شناسانه

## 1. Hubristic Identity

## ۲. امنیت انسانی

مفهوم دیگری که در این پژوهش مورد مذاقه قرار می گیرد و همچنین ارتباط آن با پیامدهای ناشی از شکل گیری گروه های خشونت ورز مورد بررسی قرار خواهد گرفت، امنیت انسانی است. براساس طبقه بندی برنامه توسعه و عمران سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴، امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت سلامت، امنیت زیست محیطی، امنیت فردی، امنیت سیاسی و امنیت جمعی از جمله مصادیق امنیت انسانی به شمار می آیند. بنابراین طبقه بندی، اگر هر یک از این پارامترها تامین نشده و یا در معرض خطر باشد، با نوعی از ناامنی انسانی مواجه خواهیم بود. در این مقاله تکیه بر تهدیدات علیه امنیت فردی است. منظور از این تهدیدات، مولفه هایی چون ۱. «تهدید از سوی دولت/ کنشگران، علیه شهروندان» است که مصداق آن را می توان شکنجه و انواع آزارهای روحی و جسمی شهروندان، کشتارهای دسته جمعی و ... دانست؛ ۲. «تهدید از سوی دولت های دیگر» و یا کنشگران دیگر، که مصداق عینی آن جنگ و ترور است. ۳. «تهدید علیه زنان و کودکان» که انواع بردگی جنسی، قاچاق انسان، قاچاق موادمخدر و... در این زمره قرار می گیرد.



شکل ۲: وجوه امنیت انسانی

### ۳. گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) تهدیدی بر امنیت انسانی

پدیده گروه دولت اسلامی عراق و شام پس از ظهور در عرصه سیاست بین‌الملل بسیاری از تعاریف کلاسیک ادبیات علم سیاست را همچون دولت تغییر داده و به تهدیدی منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای بدل شده است. این سازمان هیبریدی دیگر تنها به دنبال اهداف ایدئولوژیکی - دینی خود نیست بلکه با انجام انواع تجارت غیرقانونی همچون تجارت انسان، موادمخدر، اعضای بدن و نفت به منظور توسعه قلمرو ایدئولوژیک خود، عملاً به گروه جرایم سازمان یافته مبدل شده است. در این مقاله فرض بر اینست عقیم ماندن فرایند شناسایی حداکثری، منجر به شکل‌گیری گروه‌های خشونت ورز افراطی می‌شود که برای احصای هویت‌های غرورآمیز از دست رفته خود، دست به مبارزاتی می‌زنند که لزوماً هونشی و اخلاقی نبوده و اغلب منجر به تداوم منازعه می‌شود. این تداوم منازعه همواره نیاز به تامین مالی و به دنبال آن شکل‌گیری انواع تجارت مجرمانه و البته تهدیدات علیه امنیت انسانی است. گروه خشونت ورز افراطی داعش مورد مطالعه این مقاله است که در پی عقیم ماندن فرایند شناسایی حداکثری در عراق شکل گرفت و پیامدهای ظهور آن تهدیدات بین‌المللی و منطقه‌ای علیه امنیت ملی و انسانی کشورها بود که در این نوشتار، تهدیدات آن علیه امنیت انسانی غرب آسیا مورد بررسی است.

پیرامون ظهور این گروه تاکنون با رویکردهای متفاوت، دلایل متعددی ذکر شده است. اما نویسنده با استفاده از مدل فرایند شناسایی حداکثری و توجه به عواملی چون روایت‌های تاریخی، بحران هویت غرورآمیز و ناامنی هستی‌شناسانه تلاش دارد به ابعاد مغفول چرایی بوجود آمدن این سازمان هیبریدی توجه نماید. بنابر مدل تحقیق حاضر، یکی از علل تاثیرگذار در تشکیل این گروه روایت تاریخی کنشگران آن از استعمار است. به تعبیری دیگر با به قدرت رسیدن شیعیان در عراق پس از ۲۰۰۳، روایت تاریخی از حاکمیت چند صد ساله اهل سنت به مثابه نمایشی مدرن از اختلاف اموی عباسی در اندیشه اهل سنت عرب تغییر پیدا کرد. خاطره‌های جمعی که از طریق فرایندهای بین‌الذهانی شکل داده شده بود و اغلب روایت‌های غالب و جاری در جامعه را منعکس می‌کرد. روایت جاری و غالب تا پیش از این حاکمیت تاریخی و سنتی اهل سنت از گذشته تا به امروز بوده است. بعثی‌زدایی و عدم ادغام سیاسی اهل سنت ادراکاتی چون سرکوب‌شدگی، نادیده‌انگاری هویتی و احساس جمعی تحقیرشدگی

را دربرداشت که در یک دهه به طور اجتماعی در فضای پسابحران ۲۰۰۳ عراق، برساخته شد(ذاکری و حاجی یوسفی، ۱۳۹۸).

رویدادهای پس از حمله آمریکا به عراق از همان روزهای ابتدایی تاثیرات خود را داشته است. روایت های تاریخی همچون تحریم های آمریکا و نهادهای بین المللی غربی که اغلب تاثیرات آن متوجه ملت عراق بود تا دولت این کشور، حمله ۲۰۰۳ به عراق توسط نیروهای ائتلاف به سرکردگی ایالات متحده آمریکا و تبعات آن، حوادث فراموش ناشدنی زندان ابوغریب، روایت تاریخی شعوبی گرای صغوی ایرانی و مبارزه با استعمار در چارچوب غرب و آمریکا از مواردی است که بسترهای برساخت روایت های منازعه را در ذهن مردم عراق بویژه اهل سنت ایجاد نموده است. تعارض داعش با معاهده سایکس- پیکو که بارها در محصولات تبلیغاتی این گروه اشاره شده است مبین این معناست؛ «و این پیشروی مبارک متوقف نمی شود مگر زمانی که آخرین میخ را بر تابوت عهدنامه ننگین سایکس- پیکو بکوبد» (Dabiq,1435:5).

این روایت ها در طول زمان، خاطرات منازعه آمیز ناشی از عدم شناسایی دوجانبه را تقویت می کنند. همزمان عدم حصول ارجمندی نفس را نیز با خود همراه دارد. به زعم هونث شکل گیری هویت یک فرد که متضمن درک، تفسیر و احساس نیاز و تمایل یک شخص به عنوان کنشگری کاملا مستقل و فردیت یافته است، به توسعه روابط شناسایی دوجانبه بستگی خواهد داشت. جدا از تقاضا برای پذیرش و شناسایی به مثابه کنشگری آزاد و مستقل، بازیگران ذاتا حسی همچون فاعل شناسا از جایگاه خود درون یک گروه را نیز دارند و زمانی که این جایگاه اجتماعی مورد پذیرش قرار نگیرد، با عقیم ماندن فرایند شناسایی مواجه خواهند بود. در این حالت کنشگران این عدم شناسایی را به مثابه تهدیدی بر انواع خواسته های مادی خود تلقی خواهند کرد. در این وضعیت کنشگران احساسی را مبنی بر حمله به «ارزشمندی اجتماعی واقعی» خود، تجربه می کنند که منجر به واکنش های خشونت آمیز خواهد بود.

عراق کشوری مرکب از وابستگی های نژادی، قومی و مذهبی است که رقیبان درحالی که هریک به جایی یا چیزی وفادارند، به فعالیت مشغولند. در این کشور جوامعی به نزاع با هم اشتغال دارند که گویی مستقل و جدای از یکدیگرند. آن گاه جغرافیای قومیت یا طایفه هم مزید بر علت شده و بعد دیگری به این بحران می بخشد که فرد را ناگزیر از وابستگی به چند هویت می کند. این تکثر و وابستگی چندگانه تشتت هویت را تشدید می کند که نوعی انفعال و جدایی منفی در فرد عراقی برجای می گذارد که خویش را در معرض احساساتی متعارض و متضاد از

تعلق و شناسایی می‌بیند (لطیف الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۵). این گسست هویتی ذاتی اجتماعی در کنار مولفه‌های دیگری چون وجود انواع گروه‌های مذهبی مسلح و نیز ذات منطقه بحران و جنگ، فرد عراقی را دچار ناامنی و بحران امنیت هستی‌شناسانه می‌نماید.

هویت غرورآمیز مردم عراق در (عصبیه)، افتخار و پرستیژ (شرف) تعریف شده است. آنچه که به آنها برتری و غرور افتخارآمیز می‌دهد. اما آنچه پس از ۲۰۰۳ نصیب آن‌ها شد، اخراج ۲۰ هزار نیروی دولتی فقط از حزب بعث، کشته شدن نزدیک به ۷۰۰۰ عراقی تنها در فاصله ۲۰۰۳-۲۰۰۷، ۸۰۰۰ نفر زندانی عراقی در ابوغریب و حوادث تحقیرآمیز زندان (ذاکری و حاجی یوسفی، ۱۳۹۸). در رابطه دوجانبه شناسایی میان اهل سنت عرب عراقی، هیچک از مراحل این شناسایی هونشی توسط نیروهای ائتلاف به رسمیت شناخته نشد. حضور فیزیکی این افراد مورد شناسایی قرار نگرفت، به طریق اولی تحقق نفس و شیوه‌های متفاوت زندگی این افراد به مثابه افراد اهل سنت، به رسمیت شناخته نشد.

هویت اجتماعی قبایل اهل سنت در واقع تعریف عراق به مثابه یک ملت است، بنابراین شاید جای تعجب نداشته باشد اگر برخی عشایر همچون استان الانبار حمایت‌هایی از گروه‌های شورشی محلی و یا القاعده داشته‌اند (Cottom et.al.2016:63). اهل سنت با چشم انداز از دست دادن قدرت خود در برابر اکثریت شیعی مواجه بودند که فقط چالشی بر خودانگاره آن‌ها نبود بلکه تهدیدی وجودی بود. آن‌ها در بحران قدرت و پرستیژ و آنچه به مثابه نژاد عرب سنی مایه افتخار و هویت غرورآمیز بود، قرار داشتند.

عدم شناسایی هویت غرورآمیز دلیلی برای جنگ محسوب می‌شود که با تهدیداتی امنیتی چون قدرت و ثروت برابری می‌کند. تلاش برای کسب هویت غرورآمیز از دست رفته همیشه هونشی و اخلاقی نبوده و اغلب با منازعات مسلحانه همراه است. این عدم شناسایی ارتباطی مستقیم با خودانگاره خدشه دار شده کنشگر دارد. هنگامی که شخصیت عرب سنی به مثابه عامل تفوق این قبایل، مورد شناسایی نیروهای ائتلاف و یا دولت شیعی حاکم قرار نگرفت و با مورد تحقیر قرار گرفتن و از دست دادن افتخار و پرستیژ دوران صدام، دچار ناامنی هستی‌شناسانه نیز شد، در جامعه‌ای چون عراق که خاطره منازعه‌آمیزی معاصر بسیار نزدیک را دارد، تلاش مسلحانه برای بازبندست آوردن این هویت‌ها بسیار محتمل است. در این مرحله است که داعش مسلح با پیچیدگی‌های نادیده‌انگارانه ناشی از یک دهه، شکل گرفته و تلاش برای بازبندست آوردن هویت غرورآمیز خود دارد. این فرایند اما در مراحل بعد با تمایل به حفظ



سرزمین های فیزیکی، لجستیک و اعتبار همراه است. بنابراین نیاز به تامین مالی و تحصیل آن از محل تجارت غیرقانونی و به تبع آن تهدیدات علیه امنیت انسانی پیش رو خواهد بود.

#### ۴. داعش و ناامنی انسانی در منطقه غرب آسیا

آنچه که کنشگر بیرونی از فعالیت های داعش در ذهن دارد، خشونت عریان و افراط در عقاید است. اما به نظر میرسد که روایت ها متفاوت است. چرا که در شرایط ناامنی هستی شناسانه، هنگامی که کنشگران در فضای تزلزل و بی ثباتی از بودگی خود و از هویت های خود و از آنچه آنها را طی سال ها ترسیم و تعریف نموده است، قرار می گیرند، دچار بحران هویت غرورآمیز شده و تلاش دارند تا از شیوه های خشونت آمیز این هویت غرورآمیز از دست رفته، نادیده انگاشته شده و کمرنگ شده را دوباره بدست آورده و مورد شناسایی و تایید قرار دهند. بنابراین بنظر واکنشی خشونت آمیز شاید چندان دور از انتظار نباشد. اما شکل عملیاتی این خشونت در ترورها، زنده در آتش سوزاندن ها، کشتار دسته جمعی، بردگی جنسی، قاچاق اعضای بدن و قاچاق انسان و مواد مخدر، ابتدا امنیت انسانی شهروندان را مورد تهدید قرار داده است.

اولین شاهد این تهدیدات، کشف گورهای دسته جمعی حذفاصل سال های ۲۰۰۳ تا به امروز است. بیش از ۱۲۰ گور دسته جمعی در عراق کشف شده که مصداقی بارز از تهدید امنیت شهروندان عراقی است. در شهر بشیر استان کرکوک که اغلب ساکنان آن ترکمن های شیعه هستند؛ در شهر تکریت استان صلاح الدین، در اطراف کوه های سنجار که بیشتر آن ها از یک قبیله و ایزدی هستند؛ در موصل، در الرّمادی و نیز در بخش هایی از سوریه همچون پالمیرا، دیرالزور و حلب نیز ده ها گور دسته جمعی تا به حال کشف شده است. از سال ۲۰۱۴ تا کنون، بیش از ۲۵۰۰۰ زن و دختر ایزدی، مسیحی و دیگر اقلیت ها توسط داعش زندانی شده و مورد آزار جنسی قرار گرفته و یا از طریق یک شبکه مرکزی در رقه سوریه، فروخته شده اند (ابوالخیر، ۲۰۱۹). جابجایی و مهاجرت اجباری از دیگر مصداق به مخاطره افتادن امنیت نوع بشر است. طبق گزارش نماینده سازمان ملل در امور عراق تا به حال بیش از ۳/۳ میلیون نفر در عراق و نزدیک به ۵ میلیون نفر در سوریه مجبور به مهاجرت و جابجایی به کشورهایی همچون ترکیه اردن لبنان و یا اروپا شده اند.

فهرستی که در آن بتوان اقدامات ضد بشری و ضد انسانی داعش را شمرد، فهرستی طویل و حیرت آور خواهد بود. در واقع تأثیر ظهور داعش را باید یکی از وخیم ترین تجربه های انسانی

پس از جنگ جهانی دوم دانست. بسیاری دولت اسلامی عراق و شام را در مجموعه ای از جرائم تبهکارانه از آدم ربایی گرفته تا قاچاق انسان، قاچاق سیگار، نفت، اسلحه و کالاهای تقلبی دخیل می‌دانند (Dettmer & Schindler, 2015). دیگر کارشناسان همچون ویلیامز، تاکتیک های خشونت آمیز به کار گرفته شده توسط این گروه را تنها قابل مقایسه با گروه‌های نارکوتروریست در مکزیک می‌داند که براحتی با اتکا به امکانات رسانه ای دهه دوم قرن بیست و یکم اقدام به سر بریدن، تکه تکه کردن، زنده سوزی قربانیان می‌کرده‌اند (Williams, 2015: 265).

در واقع گروه های نارکوتروریستی و کارتل های مخدری آمریکای جنوبی و نارکوتروریست های خاورمیانه ای حتی در افغانستان نیز در تاکتیک نمایش خشونت عربان بسیار همانند یکدیگر عمل کرده اند. این رویه برای ایجاد رعب و خلع سلاح مخاطب برای طرح ریزی هرگونه مقاومتی است (Winslow, 2015).

منطقه تحت کنترل این گروه در حدود مساحت کل بریتانیا بود که شامل جمعیتی در حدود ۱۰ میلیون نفر می‌شد (Brisard & Martinez, 2014). در واقع این گروه بزرگترین گروه تروریستی تاریخ است که توانست در چنین جغرافیای گسترده ای حکمرانی داشته باشد. در اختیار داشتن بخش های زیادی از شهرهای سوریه همچون ادلب، دیرالزور و استان های دیاله و صلاح الدین و نینوا در عراق گویای عظیم بودن پروژه سیاسی این گروه تروریستی است. این گروه توانسته بود بقای خود را بر مجموعه‌ای از فعالیت های صنعتی و تجاری و البته تبهکارانه استوار کند. خرید و فروش کالاهای کشاورزی، نفتی و البته قاچاق اسلحه، انسان و مواد مخدر از منابع قطعی تامین مالی فعالیت های تروریستی این گروه بوده است.

این گروه بر مبنای ارزیابی های نسبتاً محافظه کارانه دارایی در حدود ۲ تریلیون دلار در اختیار داشته و بطور سالانه در حدود ۲,۹ میلیارد دلار به منابع مالی دسترسی داشت (Brisard & Martinez, 2014). این سازمان تلاش داشت تا با ورود به جریان اصلی اقتصاد خاورمیانه چه بسا برای بقا و ثبات از حجم اقدامات تبهکارانه خود کم کند. ارتباط با اقتصاد های موثر بویژه در حوزه عربی چندان دور از ذهن نیست. حجم این دریافتی ها در حدود ۵۰ میلیون در سال برآورده شده است (West Point, 2013). نشریه فوربز بین الملل، در برآورد خود از ده گروه تروریستی ثروتمند در سال ۲۰۱۴، داعش، طالبان، القاعده، الشّباب و بوکوحرام را در این دسته

بندی قرار داده که از این بین، داعش با درآمدی بالغ بر ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴، به عنوان ثروتمندترین گروه تروریستی معرفی شده است.

موادمخدر بعد از نفت و اسلحه مهمترین منبع درآمدی گروه های جرایم سازمان یافته دنیاست. داعش نیز به منظور بقا و تامین هزینه های لجستیکی خود از قاچاق موادمخدر، تبادل اطلاعات و تامین امنیت مسیرهای ترانزیت قاچاق برای گروه های قاچاقچی مواد، بهره برده است. بنابر گزارش سال ۲۰۱۷ دفتر جرم و موادمخدر سازمان ملل متحد میزان کشفیات ماده شیمیایی کپتگون از دسته آمفتامین ها در سوریه، نشان از وجود قطب مرکزی در مناطق تحت کنترل داعش در این کشور است (UNODC, 2017:37). همچنین گزارش نیوزویک به نقل از سرویس اطلاعاتی اسپانیا، به این نکته می پردازد که داعش از ارتباطات خود با کارتل های موادمخدری به منظور تأمین مالی عملیات خود در عراق و سوریه استفاده می کند. علاوه بر این، منابع اطلاعاتی اسپانیایی معتقدند که تروریست های داعش از مسیرهای قاچاق موادمخدر برای جابجایی انواع اسلحه، قاچاق انسان و موادمخدر استفاده می کنند؛ به طوری که در ماه های پایانی سال ۲۰۱۴ قاچاق انواع موادمخدر صنعتی و سنتی همچون متامفتامین، حشیش، هروئین و کوکائین افزایش پیدا کرده است.

به طور کلی گروه های تروریستی و قاچاقچیان موادمخدر به روش های مختلفی با یکدیگر همکاری می کنند؛ از قبیل تأمین مالی، پرداخت دستمزد به سربازان و جنگجویان، خرید تجهیزات، مهیا سازی مسیرهای امن و به اشتراک گذاری تجربیات مشترک مرزی و عملیاتی با یکدیگر (Barkoukis, 2015). گروه داعش علاوه بر همکاری با کارتل های موادمخدر بالکان و نیز افغانستان، خود نیز به تولید موادمخدر صنعتی می پردازد. تولید مخدرهای صنعتی توسط نیروهای داعش بیشتر در حلب که سابق بر این کارخانجات تولید دارو در آن فعالیت داشته اند، صورت می گیرد. نیروهای داعش با تغییر کاربری این کارخانجات و تبدیل آن به محل تولید کپتگون، سود سرشاری را از تولید و تجارت این ماده مخدر صنعتی کسب می کنند (Pinzon, 2015).

بهار سال ۲۰۱۵ مقامات سوری در استان ساحلی لاذقیه ۸۰۰ کیلوگرم حشیش و بیش از ۶ میلیون قرص کپتگون کشف کردند. در این راستا ویکتور ایوانوف رییس سرویس فدرال مبارزه با موادمخدر روسیه اذعان داشت که گروه هایی همچون بوکوحرام، طالبان، النصره و داعش در تجارت و حمل پیش سازهای کپتگون نقش عمده ای ایفا می کنند. همچنین بسیاری از

گزارش‌هایی که مبتنی بر مصاحبه با برخی جنگجویان داعشی است، مدعی‌اند که نیروهای دولت اسلامی نیز از این قرص‌های توهم‌زا در عملیات جنگی استفاده می‌کرده‌اند (Holley, 2015). محرز است زمانی که تقاضا برای ماده خاصی بالا است، رونق خاصی را می‌توان در حوزه خرید و فروش آن تصور کرد. برای اولین بار یکی از روزنامه‌های چاپ آمریکا «واشنگتن پست» در مقاله‌ای جنجالی مدعی شد که جنگ در سوریه با سوخت کپتگون در جریان است (Holley, 2015). در حملات تروریستی پاریس در نوامبر ۲۰۱۵ نیز گزارش‌هایی مبنی بر استفاده از متامفتامین توسط تروریست‌مزبور وجود داشت. گزارش‌های دیگر نیز از میان خود کسانی که مستقیماً در سوریه و یا عراق و از نزدیک در واحدهای میدانی حضور داشتند از استفاده گسترده از این ماده در میان جوانان صحبت می‌کنند (Holley, 2015). گزارش ۲۰۱۴ دفتر مقابله با جرم و موادمخدر سازمان ملل اعلام کرد: بیش از نیمی از کل کپتگون‌های کشف شده در جهان در خاورمیانه کشف شده‌اند (UNODC, 2014). در واقع پیش از شروع جنگ داخلی در سوریه، این کشور یکی از بزرگترین صنایع دارویی خاورمیانه را در اختیار داشت و نشانه‌هایی از سوءاستفاده از زیرساخت‌های این صنایع برای تولید کپتگون در خاورمیانه وجود دارد. گزارش‌های خبری متفاوت و البته تحقیقات در حوزه فارماکولوژی نیز نشان می‌دهد جابجایی کپتگون در این منطقه در شکل جریان‌های قاچاق هدایت شده از شرق اروپا به شرق مدیترانه، سوریه، عراق و نهایتاً کشورهای عربی خلیج فارس جریان دارد. پیش از این نیز رویترز بر مبنای یکی از گزارش‌های موثق میدانی خود خبر داده بود که سوریه در حال تبدیل به تولیدکننده و مصرف‌کننده اصلی کپتگون یا همان «فنتیلین» است (Lutfi, 2016). این هم‌زمانی در بروز تجارت گسترده متامفتامین و شیوع گسترده مصرف آن در سوریه و عراق و حاشیه جنوبی خلیج فارس متأثر از الگوی جهانی افزایش قاچاق متامفتامین در سراسر جهان است. در چند سال گذشته تجارت موادمحرک از اروپا گرفته تا آمریکای شمالی، چین و شرق آسیا و هند و استرالیا در صدر کشفیات و البته قاچاق قرار دارد. روند رو به گسترش مصرف موادمحرک در سراسر دنیا تا حدودی توضیح‌دهنده اقبالی است که به قاچاق و صنعت تولید و فروش موادمحرک شده است. در این میان ضعف و نبود دولت مرکزی در رصد امنیتی فعالیت‌های اقتصادی گروه‌های مختلف و حتی کارخانه‌هایی که تا پیش از این به کار تولید مواد فارماکولوژیک مشغول بودند، مزید بر علت شده است (Madlena & Mortada, 2015).

در واقع از آنجایی که ماهیت داعش بواسطه مخفی بودنش تا حدودی سیال و بسیار منعطف است، ترسیم یک کادر ثابت از چگونگی عمل سازمانی آن ها در حوزه سیاسی و البته کشف منابع مالی درآمدزایی آن ها نوعی اشتباه سیاست گذاری است. با این حال پولشویی، کلاهبرداری های مالی، قاچاق کالای تقلبی، قاچاق اسلحه، انسان و البته موادمخدر و در همین اواخر قاچاق مهاجران و البته جرائم مالی اینترنتی و قاچاق مواد از این طریق و خرید و فروش آثار هنری ثبت شده به شکل دزدی و غارت از موزه ها، مراکز دولتی و همچنین کنترل فروش منابع و مواد اولیه از جمله راه هایی بوده که سازمان های جرائم سازمان یافته برای بقای خود پیدا کرده اند. اما داعش توانسته بود در کنار فروش روزانه یک تا دو میلیون دلار نفت از طریق ترکیه، به تقویت دیگر کانال های تجاری اش نیز اقدام کند (Bronstein & Griffin, 2014).

در این میان، اخذی نیز یکی دیگر از روش هایی بود که داعش با اتکا به بُرد رسانه ای خود جهت درآمدزایی از آن بهره می برد. داعش به هیچ عنوان شبیه گروه های تروریستی سنتی عمل نمی کند چرا که دریافت کمک های مالی از قطر و کویت تا فروش نفت، قاچاق انسان و موادمخدر و محرک، دامنه جدیدی از فعالیت های این سازمان ها است. این در واقع نشان دهنده ویژگی حیات سازمانی جرائم سازمان یافته در این گروه است. ویژگی ای که بسیار فراتر از یک گروه صرف تروریستی می تواند در پیگیری اهداف سیاسی اش موثر باشد. البته اخذی یا آدم ربایی و یا پرداخت مالیات اجباری از دیگر فعالیت های اقتصادی این سازمان تروریستی است. از همین رو سازمان های شفافیت مالی بین المللی، اخیراً پاکسازی کانال های مالی انتقال دهنده منابع مالی نارکوتروریست ها را نیز به میدان مبارزه با آنها افزوده اند. در واقع شفافیت مالی جریان های پولی و بویژه سیستم انتقال منابع پولی یکی از موضوعات مناقشه برانگیزی بوده است که داعش با اتکا بر آن منافع خود را به طور قابل توجهی افزایش می دهد (D`Alfonso, 2014).

### نتیجه گیری

آنچنان که برآمد این مقاله تلاش داشت تا ابتدا با رویکردی متفاوت به علل و نتایج شکل گیری گروه های افراطی خشونت ورز در منطقه غرب آسیا بپردازد. بدین منظور با استفاده از مفاهیم امنیت هستی شناسانه، بحران هویت غرورآمیز، روایت های تاریخی و ناامنی انسانی سعی کرد به بررسی روند شکل گیری گروه داعش و تهدیدات آن علیه امنیت انسانی بپردازد.

مقاله معتقد بود در چارچوب مدل نظری فرایند شناسایی حداکثری، این کنشگران روایت های تاریخی از عقیم ماندن فرایند شناسایی حداکثری از برساخته های درون زای سیاسی- اجتماعی خود دارند، لذا ادراکاتی چون سرکوب شدگی، نادیده انگاری هویتی و احساس جمعی تحقیرشدگی را حمل می کنند که در طول زمان به صورت اجتماعی برساخته شده اند. جایگاه اجتماعی و منزلت عاملیت افراد به مثابه کنشگری مستقل از طرف دیگری فرد، گروه های اجتماعی و یا دولت شناسایی نشده است. همزمان با نادیده انگاری عاملیت، فرد دچار شیء گشتگی شده و به مرحله تحقق نفس و خودشکوفایی نمی رسد چرا که ارجمندی نفس- آنچه که بر تفاوت های درونزای کنشگر دلالت دارد- محقق نشده و احساسی مبتنی بر حمله بر ارزشمندی اجتماعی خود ایجاد می شود. کنشگر در محیط ناامن هویتی قرار می گیرد و دچار تزلزل و ناامنی هستی شناسانه خواهد شد که در این مورد در جوامع منازعه خیز تهدیدی جدیتر علیه ثبات سیاسی و اجتماعی خواهد بود چرا که عملاً این مرحله، پیشامرحله شکل گیری انواع منازعه اغلب خشونت آمیز خواهد بود. اگر که عدم امنیت هستی شناسانه تداوم یابد کنشگر با بحران هویتغرورآمیز مواجه شده و یقیناً برای احراز مجدد آن مبارزه را آغاز می نماید که این مبارزه لزوماً اخلاقی نخواهد بود.

پیرامون گروه مورد مطالعه این مقاله، عوامل متعددی چون عدم پذیرش اجتماعی، روایت های تاریخی از استعمار، جنگ و منازعه، بحران هویت غرورآمیز و نادیده انگاشتن عرب بودگی این کنشگران در تقابل با نیروهای آمریکا، در چرایی شکل گیری این گروه ذکر شده است. اما اینکه چرا خشونت ورز هستند و این خشونت چه پیامدهایی می تواند داشته باشد، قسمت دوم مدل نظری این مقاله بود. بدین ترتیب هنگامی که کنشگر با بحران هویت غرورآمیز مواجه می شود به منظور احیای این هویت، ناگزیر از داشتن واکنشی خشونت آمیز خواهد بود که در اشکال مختلف آن تهدید علیه امنیت انسانی است. ترور، کشتار دسته جمعی، قاچاق مهاجران و اعضای بدن به منظور افزایش درآمد، تنها بخشی از پیامدهای خشونت آمیز این گروه هاست که همگی مستقیم و غیرمستقیم امنیت شهروندان را مورد تهدید قرار می دهد. بنابراین، طبق این چارچوب نظری میتوان ارتباطی معنادار میان عقیم ماندن فرایند شناسایی حداکثری و ناامنی انسانی در تحلیل چرایی و پیامدهای شکل گیری گروه های افراطی خشونت ورز نظیر داعش، ترسیم نمود که البته با مطالعه بیشتر می توان ارزیابی نمود که این مدل آیا قابل بسط به دیگر گروه های خارج از منطقه غرب آسیا نیز خواهد بود یا خیر.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- ابوالخیر، ولید (۲۰۱۹). «کشف سرهای بریده در یک گور دسته جمعی در نزدیکی جبهه داعش در سوریه»، پایگاه خبری دیارنا، به نشانی اینترنتی:  
[https://diyaruna.com/fa/articles/cnmi\\_di/features/01/03/2019/feature-01](https://diyaruna.com/fa/articles/cnmi_di/features/01/03/2019/feature-01)  
حاجی یوسفی، امیرمحمد و ذاکری، مهدخت (۱۳۹۶). «شناسایی حداکثری و منازعات بازفرجام در خاورمیانه: یک مدل نظری»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش های روابط بین الملل، دوره اول، شماره ۲۴،  
ذاکری، مهدخت (۱۳۹۵). «داعش؛ تهدیدی بر امنیت انسانی»، تهران: روزنامه شرق، دی ماه.  
ذاکری، مهدخت و حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۸). «مدل چهاروجهی شناسایی حداکثری و برآمدن داعش در عراق»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی، شماره ۲۸، تابستان.  
لطیف الزبیدی، حسن و دیگران (۱۳۹۵). عراق در جستجوی آینده، ترجمه علی شمس، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

### ب) منابع انگلیسی

- Anderson BR. (1983). **Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism**, London: Verso.
- Barber, S. (2013). "Kidnapping: Al-Qaeda's Cash Cow Terrorizes Western Tourists and Workers in Africa's Sahel Region", **National Post**, Canada, February 24. Available on: <http://nationalpost.com/g00/news/kidnapping-al-qaedas-cash-cow-terrorizes-western-tourists-and-workers-in-africas-sahel-region/>.
- Black, A. (2009). "Mokhtar Belmokhtar: The Algerian Jihad's Southern Amir", **The Jamestown Foundation**, May 8. Available on: <https://jamestown.org/program/mokhtar-belmokhtar-the-algerian-jihads-southern-amir/>.
- Bloom W. (1990). **Personal Identity, National Identity and International Relations**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Bronstein, S. and Griffin, D. (2014) "Self-funded and deep rooted: How ISIS Makes its Millions", **CNN Middle East News**. Available on: <http://edition.cnn.com/2014/10/06/world/meast/isis-funding/>
- Brisard, J. and Martinez, D. (2014). "Islamic State: The Economy-Based Terrorist Funding", **Reuters Occasional Paper**. Available on: [http://cat-int.org/wp-content/uploads/2016/06/White-Paper-IS-Funding\\_Final.pdf](http://cat-int.org/wp-content/uploads/2016/06/White-Paper-IS-Funding_Final.pdf).

- Boukhars, A. (2012). "Simmering Discontent in the Western Sahara", **Carnegie Endowment for International Peace**, March 12. Available on: <http://carnegieendowment.org/2012/03/12/simmering-discontent-in-western-sahara-pub-47461>
- Campbell, D. (1992). **Writing Security: United States Foreign Policy and the Politics of Identity**, Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- Cottom, M. et.al (2016). **Confronting Al Qaeda, the Sunni Awakening and American Strategy in Al-Anbar**, London: Rowman & Littlefield.
- D'Alfonso, S. (2014). "Why Organized Crime and Terror Groups Are Converging", **Security Intelligence Publication**. Available on: <https://securityintelligence.com/why-organized-crime-and-terror-groups-are-converging/>
- Defend Democracy (2017). "Al-Qaeda in the Islamic Maghreb Relies on Drugs, Human Trafficking to Fund Terror Activities", <http://www.defenddemocracy.org/media-hit/al-qaeda-in-the-islamic-maghreb-relies-on-drugs-human-trafficking-to-f/>
- Dettmer, M. and Schindler, J. (2015). "Terror Expert Louise Shelley: 'Islamic State is a Diversified Criminal Operation'", **Der Spiegel Online International**, January 6.
- Erikson, EH, (1959). **Identity and the Life Cycle**; Selected Paper, New York: International Universities Press.
- Fanusie, Y. and Entz, A. (2017). "Al-Qaeda in the Islamic Maghreb, Financial Assessment", **Terror Finance Briefing Book**, Center on sanctions and illicit finance
- Giddens, A. (1991). **Modernity and Self Identity: self and society in the late Modern Age**, Stanford: Stanford University Press.
- Holley, P. (2015). "The Tiny Pill fuelling Syria's War and Turning Fighters into Superhuman Soldiers". Available on: [https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2015/11/19/the-tiny-pill-fueling-syrias-war-and-turning-fighters-into-super-human-soldiers/?utm\\_term=.b87a308d3623](https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2015/11/19/the-tiny-pill-fueling-syrias-war-and-turning-fighters-into-super-human-soldiers/?utm_term=.b87a308d3623).
- Hilleary, C. (2015). "Captagon: Breaking Bad in Saudia Arabia", **Middle East News**, Available on: <http://www.voanews.com/a/captagon-breaking-bad-in-saudi-arabia/3044225.html>.
- Huysmans J. (1998). "Security! What Do You Mean? From Concept to Thick Signifier", **European Journal of International Relations**, 4: 226–255.
- Joscelyn, T. (2017). "Analysis: Al Qaeda Groups Reorganize in West Africa", **FDD's Long War Journal**, March 13. Available on <http://www.longwarjournal.org/archives/2017/03/analysis-al-qaeda-groups-reorganize-in-west-africa.php>.



- Kinnvall, C. (2004). "Globalization and Religious Nationalism: Self, Identity, and the Search for Ontological Security", **Political Psychology**, 25: 741–767.
- Laub, Z. and Masters, J. (2015). "Al-Qaeda in the Islamic Maghreb", **Council on Foreign Relations**, March 27. Available on: <https://www.cfr.org/backgrounder/al-qaeda-islamic-maghreb>.
- Lebow, R. (2006). "The Memory of Politics in Postwar Europe", In: Lebow RN, Kansteiner W and Fogu C (eds.) **The Politics of Memory in Postwar Europe**, Durham, NC: Duke University Press, pp.1–40.
- Lewis, D. (2012). "Al Qaeda's Richest Faction Dominant in North Mali: U.S.", **Reuters**, July 26. Available on: <http://www.reuters.com/article/us-mali-usa-africom-idUSBRE86P1IC20120726>
- Lindemann, Th. (2014). "Recognizing (Mis) Recognition from the Inside and the Outside: some Criteria for 'Seizing' a Slippery Concept", **Global Discourse**, Vol.4, Issue 4. Pp.542-549.
- Lutfi, A. (2016). "Fenethylline in the Middle East, a Thriving Trade in the Post-Saddam Era", **Asian Journal of Medical Sciences**, Short Communication Paper. Available on: <http://www.nepjol.info/index.php/AJMS/article/viewFile/14228/12064>
- Madlena, Ch. and Mortada, R. (2015). "Syria's Speed Fricks, Jihad Junkies, and Captagon Cartels", **Foreign Policy**, Available on: <http://foreignpolicy.com/2015/11/19/syria-isis-captagon-lebanon-assad/>
- Mitzen, J. (2006). "Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma", **European Journal of International Relations**, SAGE Publications and ECPR-European Consortium for Political Research, 12(3): 341–370. DOI: 10.1177/1354066106067346.
- Neumann I. (1999). **Uses of the Other in World Politics**, Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- Pinzon, Juan Carlos (2012). "FARC makes up to \$3.5 B from Narco-trafficking", **Colombia Reports**, 24 October, Available on: <http://colombiareports.co/farc-makes-up-to-35b-from-narco-trafficking-defense-minister/#modal>.
- Schanzer, J. (2002). **Algeria's GSPC and America's 'War on Terror**, The Washington Institute, October 2. Available on: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/algerias-gspc-and-americas-war-on-terror>
- Stern, M. (2001). Naming In/security — Constructing Identity: 'Mayan-Women' in Guatemala on the Eve of 'Peace, Göteborg: Padrigu Papers.
- Strömbom L (2010). **Revisiting the Past: Israeli Identity, Thick Recognition and Conflict Transformation**, Lund: Lund University, Department of Political Science.

- Taylor, C. (1994). "Politics of Recognition", in: Guttman, A. (ed.) **Multiculturalism: Examining the Politics of Recognition**, Princeton: Princeton University Press.
- Roggio, B. (2007). "Libyan Islamic Fighting Group joins al Qaeda", **FDD's Long War Journal**, November 3. ([http://www.longwarjournal.org/archives/2007/11/libyan\\_islamic\\_fight.php](http://www.longwarjournal.org/archives/2007/11/libyan_islamic_fight.php))
- UNODC World Drug Report (2009). Available on: [http://www.unodc.org/documents/toc/factsheets/TOC12\\_fs\\_general\\_EN\\_HIRES.pdf](http://www.unodc.org/documents/toc/factsheets/TOC12_fs_general_EN_HIRES.pdf)
- UNODC World Drug Report (2014). Available on: [https://www.unodc.org/documents/AnnualReport2014/Annual\\_Report\\_2014\\_WEB.pdf](https://www.unodc.org/documents/AnnualReport2014/Annual_Report_2014_WEB.pdf)
- UNODC World Drug Report (2017). Available on: <https://www.unodc.org/wdr2017/index.html>
- Vardi, N. (2009). "Al-Qaeda's New Business Model: Cocaine and Human Trafficking", **Forbes**, Available on: <https://www.forbes.com/2009/12/18/al-qaeda-cocaine-business-beltway-al-qaeda.html#23c2158f2829>.
- Weldes J, Laffey M, Gusterson H, et al. (1999). **Cultures of Insecurity**, Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- West Point Publication Center, Combating Terrorism Center (2013) Available on: <https://www.ctc.usma.edu/v2/wpcontent/uploads/2013/09/Analysis-of-theState-of-ISI-Translation.pdf>
- Wood, D. (2013). "Libyan Weapons Arming Al Qaeda Militias across North Africa, Officials Say", **the Huffington Post**, February 21. Available on: [http://www.huffingtonpost.com/2013/02/20/libyan-weapons-al-qaeda-north-africa\\_n\\_2727326.html](http://www.huffingtonpost.com/2013/02/20/libyan-weapons-al-qaeda-north-africa_n_2727326.html).
- Williams. B (2015). "Terrorism Debate Over Mexican Drug Trafficking Violence", **Terrorism and Political Violence**, 24, 259-278.
- Winslow, D. (2015). "What ISIS Learned from the Cartels", **The Daily Beast**, August 7.